

واکاوی نقش دل‌بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران نخبه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

کد مقاله: ۷۰۹۵۴

مهران کیهان زاده^۱

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف واکاوی اثربخشی نقش دل‌بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران و داوران نخبه انجام شد. روش تحقیق به صورت آمیخته بود. روش‌شناسی: جامعه آماری در بخش کیفی متخصصین حوزه ورزش نخبه بودند. در بخش کمی نیز جامعه آماری شامل ورزشکاران نخبه بود که تعداد ۱۹۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. در این پژوهش ابزاری که جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است عبارتست از مصاحبه و پرسشنامه، در بخش اول پژوهش از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد و در بخش دوم داده‌های حاصل از پژوهش کیفی به شکل ابزار (پرسشنامه) تهیه و تنظیم گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس استفاده گردید. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد عوامل اصلی موثر بر کاهش مهاجرت ورزشکاران نخبه مبتنی بر پذیرش سیاست‌ها، شامل اعتماد، شرایط تسهیل‌گر، محدودیت‌ها، سیاست‌های زمینه‌ای، ارتقای کیفی، درک موفقیت، پذیرش سیاست‌ها است که در قالب عوامل علی، زمینه‌ای، محدودیت‌ها، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها دسته‌بندی شدند. نتیجه‌گیری: همچنین نتایج بخش کمی نشان داد تمامی مسیرها دارای ضریب مسیر مثبت و معناداری هستند. از این رو پیشنهاد می‌شود در جهت کاهش مهاجرت ورزشکاران اولین اقدام اعتمادسازی است که باید در رأس تمامی اقدامات قرار گیرد و مهم‌ترین رکن این اقدام شفافیت در سیاست‌هاست.

واژگان کلیدی: دل‌بستگی ملی، میل به مهاجرت، ورزشکاران نخبه

مردم بر اساس اصل شمول عام معتقد است که همهٔ ساختارها، رسوم، افکار، باورداشت‌ها و نظایر آن کارکرد مثبت ندارند. برای نمونه ناسیونالیسم افراطی در جهانی که روز به روز بر سلاح‌های اتمی‌اش افزوده می‌شود، می‌تواند کارکردی بسیار منفی داشته باشد (ریترز، ۱۳۸۵: ۱۳۰). اگر احساسات مردم به کشورشان را از منظر کارکردی مدنظر قرار دهیم وظیفهٔ هر جامعه‌ای است که تظاهرات عاطفی مردمش را تنظیم کند، زیرا عواطف افسارگسیخته می‌تواند سرچشمهٔ دیگری از هرج و مرج باشد. برخی از عواطف آشکارا ضروری‌اند؛ برای مثال عشق و وفاداری خانوادگی برای تضمین جمعیت کافی ضرورت دارند. هر چند تعیین سطح ضروری و سطح خطرناک عاطفی برای هر کسی دشوار است، اما این امر برای کارکردگرایان ساختاری نیز آشکار است که عاطفه-گرایی اگر از حد خود خارج شود، تهدیدی برای نظام اجتماعی به شمار می‌آید (ریترز، ۱۳۸۵: ۱۴۴) بنابراین ما به یک بازنگری جدی در مفهوم تعلق به سرزمین و تعلق به آب و خاک نیاز داریم.

هدف از طرح همگرایی تحت عنوان ناسیونالیسم به صورت شکلی از دلبستگی به ملت این بود که انسجام داخلی یک واحد سیاسی به مثابه پایهٔ ثابت توسعه به معنای عام آن تجزیه و تحلیل شود. ارگانسکی و بسیاری از نظریه پردازان توسعهٔ اقتصادی اعتقاد دارند که تا زمانی وحدت عمومی و ملی پیرامون اهداف کلان یک جامعه (مثل توسعهٔ اقتصادی و بسیج عمومی) پدید نیاید، توسعه در ارکان گوناگون آن جامعه محقق نخواهد شد. ناسیونالیسم یکی از مفاهیمی بود که به وحدت ملی و فرهنگی و هویت تاریخی ملل کمک شایانی کرد و مجموعهٔ جغرافیایی - اقتصادی آنها را از دیگران متمایز و بسیج عمومی را فراهم کرد (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۵۷). اما پس از پایان جنگ جهانی دوم و شیوع دزدگی از آغاز جنگ، فرایند جنگ و نتایج و فجایع حاصل از جنگ، جنبش‌های غلیظ ناسیونالیستی که به وفور در بین کشورهای درگیر در جنگ دیده می‌شد، با عزمی جهانی جای خود را در ظاهر به دولت‌های صلح‌طلب ملی داد و ملت‌هایی که داعیهٔ دموکراسی داشتند با مذموم دانستن دلبستگی ناسیونالیستی به کشور در تلاش برای ادامهٔ حفظ و تقویت دلبستگی ملی در بین مردم کشورهاشان، به تبلیغ شکلی دیگر از این دلبستگی پرداختند که نمود آن را می‌توان در شکل‌گیری گرایش‌های میهن‌دوستانه مشاهده کرد. در این بین شهروندان میهن‌دوست دیگر افرادی منفعل که دست-مایهٔ جنبش‌های ناسیونالیستی شوند، نیستند بلکه شهروندانی فعال و منتقدند که ضمن عشق به کشور در پی کشف نقاط ضعف آن و رفع نقایص پیش روی مملکت خود هستند. بنابراین با رشد دموکراسی و گسترش حقوق شهروندی در بین جوامع، دیگر نمی‌توان دلبستگی ملی را تنها مفهومی با پتانسیل ناسیونالیستی در نظر گرفت، بلکه ظرفیت دیگر که همان میهن‌دوستی است را نیز باید مد نظر قرار داد.

۲- ضرورت پژوهش

گرچه فقدان احساس دلبستگی نسبت به مملکت، عاملی در ایجاد یأس و خودباختگی ملی در بین مردم یک جامعه است و بی‌انگیزگی احزاب سیاسی عدم مشارکت فعال مردم و سیاست‌های خارجی منفعلانه را به دنبال دارد؛ اما عمومیت پیدا کردن غرور کاذب نسبت به مملکت، در بین افراد یک جامعه، نیز می‌تواند منجر به شکل‌گیری گرایش‌های ناسیونالیستی و شوونیستی شود و به گسترش جنگ‌طلبی کشورها و بیگانه‌هراسی آنها دامن زند. پس در هر دو صورت با موقعیتی خطرناک رو به ور هستیم؛ غرور کاذب نسبت به مملکت ناشی از دلبستگی کورکورانه نیز به اندازهٔ خودکم‌بینی مخرب است و مانعی در راه رشد و تعالی کشور محسوب می‌شود، پس ما به یک بازبینی جدی در مفهوم تعلق به سرزمین و آب و خاک نیاز داریم. بنابراین لازم به نظر می‌رسد که قائل به وجود دو نوع دلبستگی ملی شویم (میهن‌دوستی و ناسیونالیسم). میهن‌دوستی، همان دلبستگی ملی مثبتی است که جهان امروز به آن نیاز دارد و می‌تواند به توسعهٔ اشکال شهروندی و سیاست‌های باز توزیعی کمک و بین اقلیت‌های قومی و فرهنگی انسجام ایجاد کند، باعث گسترش مشارکت مدنی شود و نیاز جوامع امروز را به شهروندان فعال و متعهد فراهم نماید. در مقابل، ناسیونالیسم دلبستگی ملی کاذبی است که اگرچه در ایجاد انسجام و مشارکت منفعلانه در بین اعضای یک ملت کارکرد دارد و نقش ایفا می‌کند، اما عاملی در جهت توسعهٔ سیاست خارجی تجاوزکارانه، نپذیرفتن ضعف‌ها و نارسایی‌های کشور و طرد سایر ملت‌هاست (برابکر، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

عمومیت یافتن خودباوری و در پی آن گسترش احساس دلبستگی به مملکت خودی، به باور افراد نسبت به توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود و چگونگی تفسیر آنها از شرایط بستگی دارد. دستیابی به اهداف و آرمان‌های پیش رو برای ملت‌ها تنها در پرتوی عزم جمعی قابل حصول است و عزم جمعی، نیز برگرفته از احساس رضایت و به دنبال آن احساس دلبستگی نسبت به مملکتی است که افراد خود را با آن هویتیابی می‌کنند. در موقعیت کنونی و شرایط حساس ایران در جامعهٔ جهانی، خودباوری و دلبستگی ملی مثبت ایرانیان بدون داشتن دیدی تعصب‌آمیز به همراه شناخت ظرفیت‌ها و نقایص موجود و همچنین تلاش در جهت مرتفع ساختن آنها، کمک می‌کند تا ضمن احترام گذاشتن به نهادها و قوانین سیاسی و اجتماعی کشور و ارزیابی صحیح و

منطقی از آنها با ایجاد پیوندی عاطفی نسبت به موقعیت‌های ویژه ملی زمینه‌ای فراهم شود تا بتوان با تکیه بر استعدادها و توانایی‌های بومی و منابع در اختیار، نیازها و نیز دستیابی به خواسته‌ها و آرمان‌های پیش رو برآورده شود.

۳- چارچوب نظری

دیدگاه‌های نظری دربارهٔ دلبستگی ملی و به دنبال آن احساس غرور یا سرشکستگی متنوع و با جهت‌گیری‌های متمایز است. برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که دلبستگی درون گروهی و در سطح وسیع‌تر دلبستگی به ملت به وجود آورندهٔ غروری است که الزاماً با نفی سایر برون‌گروه‌ها و دیدگاه خصمانه نسبت به آنها و برتر دانستن گروه و ملت خودی همراه است، بنابراین دلبستگی ملی تنها می‌تواند در شکلی ناسیونالیستی - با تعریف مطرح شده در این مقاله - تجلی پیدا کند. این دیدگاه یک بعدی به وفاداری درون گروهی توسط نظریه‌پردازان مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است، چرا که افراد درون گروه ممکن است گروه خود را دوست داشته باشند بدون اینکه نسبت به برون‌گروه‌ها موضع‌گیری خصمانه‌ای داشته باشند یا حتی افراد ملتی ممکن است احساس مثبتی نسبت به کشورشان از خود بروز ندهند، اما در مقابل، دیدگاهی خصمانه نسبت به سایر ملت‌ها داشته باشند. در مقابل، برخی نیز در ضمن انتقاد به دیدگاه‌های یک جانبهٔ نظریه‌پردازان ناسیونالیستی، معتقدند که دلبستگی ملی جنبهٔ دیگری هم دارد، اما مورد غفلت واقع شده است و زمان بحث از ناسیونالیسم گذشته و در دنیای دموکراتیک مدرن، کشورها به سمت میهن دوستی - با تعریف مطرح شده در این مقاله - میل پیدا کرده‌اند. از دید این نظریه‌پردازان، ادعای گزافی نیست اگر بپذیریم در ضمن عشق به وطن و اتخاذ دیدگاهی میهن‌دوستانه، می‌توان از گرایش‌های تبعیض‌آلود ناسیونالیستی در امان بود. اما دیدگاه سومی که به نظر واقع بینانه‌تر می‌آید هر دو شکل دلبستگی ملی را مد نظر قرار داده است و تقلیل آن را به شکل میهن‌دوستانه یا ناسیونالیسم نپذیرفته است. مسئله - ای که قابل توجه است، این است که در جوامع امروزی، حتی در یک کشور با نظام دموکراتیک نیز با مجموعه‌ای از شهروندان با گرایش‌های مختلف روبه‌رو هستیم، بین این افراد، هم گرایش‌های ناسیونالیستی دیده می‌شود و هم گرایش‌های میهن‌دوستانه؛ و نمی‌توان ادعا کرد که در جوامع مدرن و دموکرات امروزی، همهٔ افراد میهن‌دوست هستند و یا اینکه در مقابل، در جوامعی که با توجه به معیارهای موجود، غیر دموکراتیک محسوب می‌شود تنها با انبوهی از افراد ناسیونالیست روبه‌رو هستیم و در بین آنها گرایش‌های میهن‌دوستانه مشاهده نمی‌شود. بنابراین تقلیل دلبستگی ملی تنها در شکل ناسیونالیستی یا میهن‌دوستانه درست به نظر نمی‌آید و لازم است که در بررسی این مفهوم هر دو شکل آن مورد کاوش قرار گیرد.

۳-۱- مفهوم سازی دلبستگی ملی

دلبستگی ملی احساسی مثبت به کشور و ناشی از ارزیابی افراد از هویت ملی‌شان است. هویت ملی را شکل ابتدایی هویت قابل دسترس برای افراد می‌داند که شکل دهندهٔ سایر هویت‌هاست. این نوع از هویت منعکس‌کنندهٔ جنبه‌های مشترک مهم متعلق بودن و پیوستگی افراد به هم است و آن را نباید به منافع سیاسی یا اقتصادی ملی محض تقلیل داد (کونینگ، ۲۰۰۶: ۴). هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانهٔ هر ملتی به پرسش‌های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزهٔ تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی است؛ مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی‌ای که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). اگر ارزیابی افراد از هویت ملی مثبت و قابل قبول باشد، دلبستگی ملی را در پی دارد و اگر ارزیابی فرد از هویت ملی‌اش منفی و مأیوس‌کننده باشد، احساس یأس و سرشکستگی ملی را در پی خواهد داشت.

دلبستگی ملی نتیجهٔ فرایندهای تاریخی و اجتماعی چندگانه است که در جریان تاریخ، حوادث، وقایع و دستاوردهای ملی که در گذشته کسب شده و قضاوت دربارهٔ آنچه که هست و آنچه که در آینده پیش خواهد آمد، شکل می‌گیرد (معدل، ۲۰۰۸: ۶۸۰). این مفهوم سازه‌ای چند بعدی است که در هر کشوری به وسیلهٔ شرایط منحصر به فرد تاریخی و اجتماعی موجود در آن شکل می‌گیرد و با پیشرفت‌های علمی، تکنولوژی، اقتصادی، اجتماعی، رفاهی، آثار دموکراسی و میزان اثرگذاری سیاسی و نظامی کشور در سطح جهانی همبستگی دارد و پیوندی عاطفی با موقعیت‌های ویژه ملی است و نقش مهمی در شکل دادن احترام به قوانین سیاسی کشور، زبان اصلی، قوانین اجتماعی و... ایفا می‌کند (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۷).

دلبستگی ملی مانند طیفی عمل می‌کند که می‌تواند بسیار شدید باشد و به سمت گرایش‌های ناسیونالیستی و شوونیستی برود و منجر به گسترش تمایلات جنگ‌طلبانه و بیگانه‌هراسی شود، همچنین می‌تواند این قدر پایین باشد که عاملی در ایجاد احساس یأس و خودباختگی ملی در بین مردم جامعه؛ باعث بی‌انگیزگی احزاب سیاسی؛ عدم مشارکت فعال مردم و در پیش‌گیری سیاست‌های خارجی موجب رفتار منفعلانه شود. در آخر، دلبستگی ملی می‌تواند حالتی از اعتدال را به وجود آورد و احساسات ملی را به سمت میهن‌دوستی سوق دهد که در این رویکرد فرد هم به مملکت خود احساس دلبستگی می‌کند، هم برای دیگر ملت‌ها احترام قائل است و هم اجازه نمی‌دهد که دلبستگی بیجا نسبت به مملکتش مانع از آن شود که ضعف‌ها و نارسایی‌های موجود در

جامعه را نبیند. در یک جمع‌بندی می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که با توجه به مباحث مطرح شده در زمینه دلبستگی ملی و اتفاق نظر اکثریت نظریه‌پردازان این حیطة، دلبستگی ملی را می‌توان به دو شق تقسیم کرد که با توجه به تعاریف، یکی رویکرد ناسیونالیستی و تعریف عام پذیرفته شده از ناسیونالیسم است که وفاداری غیرانتقادی به ملتی و دیدگاه خصمانه به سایر ملت‌هاست و دیگری رویکرد میهن‌دوستانه دلبستگی ملی است که وفاداری انتقادی به ملتی بدون داشتن دیدگاه خصمانه به سایر ملت‌ها را نشان می‌دهد.

شاید تعریفی که از دلبستگی ملی ناسیونالیستی، با توجه به نظریه نظریه‌پردازان این حیطة می‌توان داد، به مفهوم قوم‌گرایی، ناسیونالیسم قومی- فرهنگی یا ناسیونالیسم کلاسیک بسیار نزدیک باشد، ناسیونالیستی که تفاوت‌های فرهنگی، دینی، قومی و نژادی را بر نمی‌تابد؛ ناسیونالیستی که دیدگاه‌های انتقادی را نمی‌پذیرد و همچنین جهت‌گیری عاطفی و نه عاقلانه دارد. در مقابل، برخی از نظریه‌پردازان مانند اسمیت، نیز مفهوم میهن‌دوستی را بسیار نزدیک به ناسیونالیسم مدنی می‌دانند. بنابراین اگر ناسیونالیسم مدنی را گفتاری ناسیونالیستی با احترام به تنوع، همراه با پدیده شهروندی و نظم دموکراتیک، کمتر عاطفی و بیشتر اقناعی بدانیم که به تنوعات دینی و فرهنگی احترام می‌گذارد و از همه مهمتر اینکه دیدی انتقادی دارد، در این صورت و بنا بر این تعریف، ناسیونالیسم مدنی می‌تواند با میهن‌دوستی همپوشی داشته باشد.

دلبستگی ملی هنگامی که به شکلی ناسیونالیستی تجلی می‌کند، اغلب با اصطلاحاتی چون پیشداوری، تصورات قالبی و تبعیض همراه است. منظور از ناسیونالیسم، شکلی از دلبستگی ملی، حس تعلق به اجتماع ملی، احساس دلبستگی به مردم، قلمرو، تاریخ، دستاوردها و عشق به کشور و طرد غیر خودی‌هاست (معدل، ۲۰۰۸: ۶۸۰). براون ناسیونالیسم را به طور کلی نهضت اندیشه و عمل می‌داند که نوعی آگاهی و هشیاری کاذب و نادرست؛ به دنبال ایجاد یا تقویت «احساس ملی» در بین مردم؛ و از جهت ایدئولوژیک نسبتاً قوی است که برداشتی تحریف شده از واقعیت ارائه می‌دهد و به صورت قدرتمند رفتار سیاسی بسیاری از افراد را می‌سازد (سازمند، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

میهن‌دوستی هویت گروهی قوی و مکانیسم قدرتمند سیاسی در مقابل تبعیض و شوونیسم [۳۰] (میهن‌دوستی افراطی) است که مزایای چندگانگی فرهنگی را تصدیق می‌کند، به تفاوت‌های گروهی احترام می‌گذارد و بر تنفر از قوم مدارای تأکید دارد (دیفیگرو و الکینز، ۲۰۰۲: ۱).

هویت‌یابی میهن‌دوستانه فردی از کشورش به ایجاد احساس مسئولیت و مشارکت در اعمالی که دولت ملی اخذ کرده، کمک می‌کند. گسترش احساس میهن‌دوستی در جامعه به عمومیت یافتن مشارکت مدنی در بین افراد منجر می‌شود و به ایجاد انسجام بین آنها کمک می‌کند. همچنین میهن‌دوستی از سیاست‌های اجتماعی باز توزیعی حمایت می‌کند، زیرا در پیش گرفتن این سیاست‌ها به انسجام بین طبقات موجود در جامعه و احساس مسئولیت متقابل افراد به هم احتیاج دارد و میهن‌دوستی می‌تواند چنین زمینه‌ای را فراهم کند (برایکر، ۲۰۰۴: ۱۲).

از نظر آنتونی اسمیت موضع میهن‌دوستانه به دلبستگی ملی، موضع افرادی است که مفهوم ملت را به تعریفی کاملاً قومی مقید نمی‌کنند و در مقابل ملت از دولت صحبت و روی مفهوم دولت-ملت تأکید می‌کنند. همانگونه که واکر کانر معتقد است که مفاهیم ملت و ناسیونالیسم را باید دقیقاً از مفاهیم دولت و میهن‌دوستی متمایز کرد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۷). اسمیت در ادامه، برای توصیف موضع‌گیری میهن‌دوستانه از اصطلاح خنثی‌تری مثل "دولت ملی" به جای "ملت" استفاده می‌کند. منظور او از دولت ملی "دولتی" است که «به واسطه اصول قانونی مشروع می‌شود و اعضای آن میزانی از وحدت و یکپارچگی ملی (اما نه لزوماً همگونی فرهنگی) را دارند». به صورتی مشابه در بحث میهن‌دوستی ما می‌توانیم از "دولت-ملت‌ها" صحبت کنیم، زیرا مثلاً دولت‌های چند قومی به دنبال ملیت هستند و تلاش می‌کنند تا از طریق معیارهای انطباق و یکپارچگی، خودشان را به ملت‌های واحد و متحد (اما نه لزوماً همگن-هدفی که مد نظر ناسیونالیسم است) تبدیل کنند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۹).

۴- روش پژوهش

یک تعریف گسترده از تحقیق عبارت است از هر فعالیتی که منجر به افزایش دانش می‌شود (دانبار و همکاران، ۲۰۰۲). تحقیق را می‌توان به تجزیه و تحلیل و ثبت عینی و سامانمند مشاهدات کنترل‌شده که ممکن است به پروراندن قوانین کلی، اصول یا نظریه‌هایی بی‌انجام و به پیش‌بینی و یا احتمالاً به کنترل نهایی رویدادها منتج شود، تعریف کرد (بیابان‌گرد، ۱۳۹۰). شیوه‌های تحقیق اشاره به راه‌هایی دارند که به مدد آن‌ها بررسی‌های پژوهش انجام شده و رویه‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها طراحی می‌شوند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶). پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. منظور از تحقیق کاربردی، تحقیقی است که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فونونی که در تحقیقات پایه تدوین می‌شوند را برای حل مسائل اجرایی واقعی به کار می‌گیرد؛ به‌طور کلی انگیزه‌های اصلی از اجرای این نوع تحقیق، حقیقت‌جویی و دستیابی به اطلاعات و روابط جدید است که به دستیابی به درک عمیق‌تر پدیده‌ها کمک می‌نمایند.

همچنین از نظر روش پژوهش این پژوهش را می‌توان یک پژوهش پیمایشی دانست (پیمایش، روشی است برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها، انگیزه‌ها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه این روش آماری است که از راه انجام تحقیق و پژوهش علمی میسر می‌شود. همچنین پیمایش را می‌توان روشی علمی در تحقیقات اجتماعی قلمداد کرد که شامل، روش‌های منظم و استاندارد برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها یا مجموعه‌های بزرگ‌تری از گروه‌های مختلف جامعه است. در حقیقت پیمایش را می‌توان هم به ابزار استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها و هم به فرآیندهای به کار گرفته‌شده هنگام بهره‌گیری از آن ابزار تلقی کرد).

۴-۱- شیوه گردآوری اطلاعات

پژوهش حاضر از نظر شیوه گردآوری اطلاعات یک پژوهش توصیفی می‌باشد. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است که شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌شود تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی دارند و هم جنبه مبنایی که در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود. به‌طور کلی تحقیقات توصیفی را می‌توان به سه یا چهار گروه تقسیم کرد که عبارت‌اند از: زمینه‌یابی (پیمایشی)، موردی، تحلیل محتوا و قوم‌نگاری که اگر قوم‌نگاری را نوعی مطالعه موردی تلقی کنیم می‌توان این تقسیم‌بندی را بین سه گروه قائل شد. می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است.

۴-۲- قلمرو

قلمرو موضوعی تحقیق، به‌طور اعم شاخه تربیت بدنی و به‌طور اخص حوزه مهاجرت ورزشکاران حرفه ای بود. قلمرو زمانی تحقیق، در بازه زمانی بهار ۱۴۰۲ بود. قلمرو مکانی تحقیق، اداره کل تربیت بدنی استان های اصفهان، مازندران و تهران بود.

۴-۳- روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و نیز روش میدانی (پرسشنامه) جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه به‌عنوان یکی از متداول‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی، عبارت است از مجموعه‌ای از پرسش‌های هدف مدار که با بهره‌گیری از مقیاس‌های گوناگون، نظر، دیدگاه و بینش یک فرد پاسخگو را موردسجش قرار می‌دهد.

۴-۴- ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. بدین ترتیب که پرسشنامه‌ای بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق تهیه شده و در اختیار نمونه مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا به آن پاسخ دهند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی استفاده خواهد شد. این پژوهش دارای یک پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی است. این پرسش‌نامه دارای پرسش‌های هدفمندی است که با بهره‌گیری از مقیاس‌های گوناگون، نظر، دیدگاه و بینش یک فرد پاسخگو (نمونه مورد مطالعه) را موردسجش قرار می‌دهد.

۴-۵- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری عبارت است از مجموعه تمام افراد، گروه‌ها، اشیاء و یا رویدادهایی که دارای یک یا چند ویژگی مشترک باشند. تعداد اعضای جامعه را حجم یا اندازه جامعه می‌نامند و با حرف بزرگ N نشان می‌دهند. جامعه پژوهش شامل تمامی خبرگان خبرگان ورزشی استان های اصفهان، مازندران و تهران بودند.

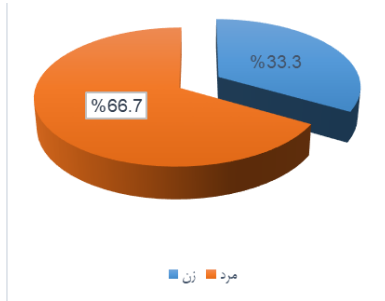
۴-۶- نمونه آماری تحقیق

نمونه آماری گروه کوچک‌تری از جامعه است که طبق ضابطه‌ای معین برای مشاهده و تجزیه و تحلیل انتخاب می‌شود و باید معرف جامعه باشد. نتایج نمونه‌ای را که معرف جامعه نباشد نمی‌توان به جامعه تعمیم داد. تعداد اعضای نمونه را با حرف کوچک n نشان می‌دهند.

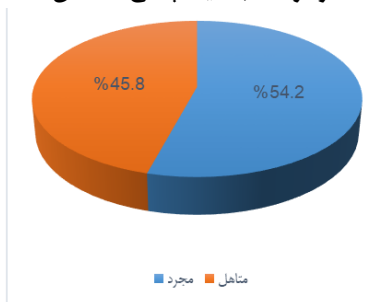
فرمول کوکران یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است. با استفاده از این فرمول می‌توان حداقل حجم نمونه لازم را از یک جامعه آماری برآورد کرد. فرمول کوکران به‌صورت زیر است

در این فرمول p و q نسبت موفقیت و شکست هستند که $0/5$ در نظر گرفته می‌شوند. مقدار $Z\alpha/2$ در سطح خطای $0/05$ برابر $1/96$ است. مقدار خطای d نیز $0/05$ در نظر گرفته می‌شود. مقدار N معرف حجم جامعه مورد نظر است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$



نمودار ۱- جنسیت پاسخ‌دهندگان



نمودار ۲- وضعیت تاهل پاسخ‌دهندگان

با استفاده از این فرمول حجم نمونه ما کلیه بازیکنان فوتسال حرفه ای مرد و زن استان های یاد شده به تعداد ۱۹۲ نفر را شامل می‌باشد.

۵- تحلیل داده های توصیفی

۱-۵- جنسیت پاسخ‌دهندگان

با توجه به نمودار ۱، ۱۲۸ نفر از پاسخ‌دهندگان دارای جنسیت مرد و ۶۴ نفر دارای جنسیت زن هستند و از لحاظ درصد، ۶۶٫۷ درصد از پاسخ‌دهندگان از جنسیت مرد و ۳۳٫۳ درصد نیز از جنسیت زن برخوردار هستند.

۲-۵- وضعیت تاهل پاسخ‌دهندگان

با توجه به نمودار ۲، ۱۰۴ نفر از پاسخ‌دهندگان مجرد و ۸۸ نفر متأهل و از لحاظ درصد، ۵۴٫۲ درصد از پاسخ‌دهندگان مجرد و ۴۵٫۸ درصد نیز متأهل هستند.

۳-۵- سن پاسخ‌دهندگان

با توجه به جدول (۳)، تعداد ۳۲ نفر از پاسخ‌دهندگان سن کمتر از ۳۰ سال، ۷۲ نفر ۳۰-۴۰ سال، ۵۶ نفر ۴۰-۵۰ سال و ۳۲ نفر بالاتر از ۵۰ سال برخوردار هستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی سن پاسخ‌دهندگان

سن	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
کمتر از ۲۰ سال	۳۲	۱۶٫۷
بین ۲۰ تا ۲۳ سال	۷۲	۳۷٫۵
بین ۲۳ تا ۳۰ سال	۵۶	۲۹٫۲
بیشتر از ۳۰ سال	۳۲	۱۶٫۷
جمع	۱۹۲	۱۰۰

۴-۵- سابقه حرفه‌ای پاسخ‌دهندگان

با توجه به جدول (۴) ۲۴ نفر کمتر از ۵ سال، ۱۶ نفر بین ۵ تا ۱۰ سال، ۶۴ نفر بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۵۶ نفر ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳۲ نفر از پاسخ‌دهندگان بیشتر از ۲۰ سال دارای سابقه حرفه ایی می‌باشند.

جدول ۴- توزیع فراوانی سابقه حرفه ایی پاسخ‌دهندگان

سابقه حرفه ایی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
کمتر از ۲ سال	۲۴	۱۲٫۵
۲ تا ۵ سال	۱۶	۸٫۳
۵ تا ۸ سال	۶۴	۳۳
۸ تا ۱۰ سال	۵۶	۲۹٫۲
بیشتر از ۱۰ سال	۳۲	۱۶٫۷
جمع	۱۹۲	۱۰۰

۶- تجزیه و تحلیل استنباطی فرضیات تحقیق

فرضیه فرعی اول: شفافیت صورت‌های مالی طرح جامع مالیاتی بر میزان رضایت کارشناسان و مؤدیان مالیاتی تأثیر مثبت دارد. با توجه به این که متغیر این فرضیه از کمی نمودن پرسش‌ها در مقیاس لیکرت حاصل شده است لذا میزان امتیازات مقداری بین ۱ تا ۵ می‌باشد. بنابراین با آزمون کردن فرض تساوی میانگین جامعه با مقدار ۳ (مقدار میانی امتیازات قابل کسب)، می‌توان ابعاد فرضیه را روشن نمود. در تحلیل آماری این قسمت با ارائه فرضیه آماری در خصوص تنظیم فرض H_0 و H_1 توضیحات لازم ارائه گردیده است.

H_0 : دل بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران نخبه تأثیر مثبت ندارد.
 H_1 : نقش دل بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران نخبه تأثیر مثبت دارد.

جدول ۴- تاثیر نقش دل بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران نخبه

Test Value = 3						شاخص
Sig.	t	انحراف معیار	میانگین	درجه آزادی	تعداد	
۰/۰۰۰	۸/۸۱۸	۱/۴۹۳۲۶	۳/۵۹۳۳	۱۹۱	۱۹۲	

چون (sig سطح معناداری) به دست آمده از $\alpha = 0/05$ کم تر است بنابراین فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. بنابراین تأثیر نقش دل بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران نخبه در سطح معنادار $0/05$ تأیید می‌گردد. در مورد فرضیه تحقیق حاضر، بین نقش دل بستگی ملی بر میل به مهاجرت ورزشکاران نخبه رابطه معناداری وجود دارد که با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن انجام گرفت، نتایج تأیید کرد که بین سبک‌های رهبری مربیان با انگیزش موفقیت طلبی بازیکنان لیگ دسته یک فوتسال کشور رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های گروسی (۲۰۰۳) و ولمن (۲۰۱۸) آزادیهای سیاسی را در کنار قوانین محدودکننده اجتماعی بر ماندگاری یا مهاجرت نخبگان مؤثر میدانند. جوادزاده (۱۳۹۴) نیز ساختار اجتماعی ایران را عاملی دیگر بیان میکند. (بلکینگ، ۲۰۰۸)، (رشید، ۲۰۱۹)، (اکبری، ۲۰۱۳)، فو (۲۰۱۵)، کنی (۲۰۱۸) و تاجبخش (۲۰۱۴) که در این زمینه انجام گرفته اند، هم سو می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی دل بستگی ملی به عنوان مفهومی دو وجهی به منظور مستند ساختن این موضوع به بررسی نظریات موجود در این حوزه پرداخته شد. در نظریاتی که با رویکردی ناسیونالیستی به بررسی مفهوم و ابعاد دل بستگی ملی می‌پردازند وفاداری درون گروهی را تنها در کنار خصومت برون گروهی معنادار تلقی می‌شود و نظریه‌پردازانی که دل بستگی ملی را از رویکردی میهن دوستانه بررسی کرده‌اند، معتقدند لازمه استمرار حیات جوامع دموکراتیک در دنیای معاصر تنها شکل میهن دوستانه دل بستگی ملی است. در ادامه دیدگاه‌هایی که دل بستگی ملی را به عنوان مفهومی با دو ظرفیت متفاوت ناسیونالیستی و میهن دوستانه در نظر گرفته‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مفهوم دل بستگی ملی نزد اکثریت اعضای جامعه متناسب با شرایط و موقعیتی است که کشور و آن جامعه در آن وضعیت قرار می‌گیرد. در مواقعی که یک کشور در معرض تهدیدهای بیرونی باشد و حاکمیت آن در خطر قرار گیرد رویکرد ناسیونالیستی مفهوم دل بستگی ملی پررنگ‌تر می‌شود، اما هنگامی که جامعه در حالت ثبات و منطقی با اتخاذ رویکرد پیشرفت‌گرایانه خواهان رقابت و کسب جایگاه والاتر نسبت به سایر جوامع است و یا هنگامی که سهم و وزن بالاتری در کسب شاخصه‌های پیشرفت داشته باشد، فضای حاکم بر جامعه بیشتر به سمت میهن دوستی میل پیدا می‌کند.

نوع تقابل جوامع با یکدیگر می‌تواند کیفیت دل بستگی ملی را تحت تأثیر قرار دهد. روابط ستیزه جویانه جوامع در سطح کلان به دلیل افزایش تهدیدها و لزوم حفظ انسجام درونی و تقویت وحدت داخلی در پیشگیری سیاست‌های ناسیونالیستی از سوی جوامع را در پی دارد و شدت این مسئله در اهمیتی که به مؤلفه‌های ناسیونالیستی داده می‌شود، مثل اولویت دادن به قلمرو سرزمینی یا پیشینه تاریخی، حاکمیت سیاسی، وحدت فرهنگی و... تجلی می‌یابد. اما زمانی که تعاملات بین کشورها پیوسته و با همکاری مداوم و حفظ همراه باشد، مفهوم دل بستگی ملی می‌تواند رنگی میهن دوستانه بگیرد و مسلماً میزان اهمیت لحاظ شده برای مؤلفه‌های میهن دوستی مثل اجرای دموکراسی، احترام به تفاوت‌ها، گسترش عقلانیت، وحدت سیاسی نه صرفاً وحدت قومی و فرهنگی و... می‌تواند در عمومیت یافتن این احساس در بین اعضای جامعه تأثیر گذار باشد.

در یک جمع بندی کلی باید اذعان داشت که اتخاذ رویکردهای ناسیونالیستی یا میهن‌دوستانه، ناشی از شرایط و وضعیت جوامع و همچنین ارزیابی اعضای آن جامعه نسبت به شرایط موجود و ایده‌آل‌های نهفته در ذهنیت جمعی آنان می‌باشد. بنابراین مفهوم دلبستگی ملی مفهومی ایستا نبوده و در گذر زمان و ارزیابی موقعیت جوامع نسبت به یکدیگر در معرض تحول و دگرگونی قرار می‌گیرد.

از آنجایی که دلبستگی ملی مانند یک طیف عمل می‌کند، هم جنبه مثبت دارد و هم منفی، در نظر گرفتن آن تنها با رویکردی ناسیونالیستی یا میهن‌دوستانه فرو کاستن بحث است. داشتن دیدگاهی یک بعدی به وفاداری درون گروهی، توسط نظریه‌پردازان مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چرا که افراد یک درون گروه ممکن است خود را دوست داشته باشند، بدون اینکه نسبت به برون گروه‌ها موضع گیری خصمانه‌ای اتخاذ کند، یا حتی افراد یک ملت ممکن است احساس مثبتی نسبت به کشورشان از خود بروز ندهند، اما دیدگاهی خصمانه نسبت به سایر ملت‌ها داشته باشند. همچنین مسئله‌ای که قابل توجه است، این است که حتی در جوامع امروزی، حتی در یک کشور با نظام دموکراتیک نیز با مجموعه‌ای از شهروندان با گرایش‌های مختلف روبه رو هستیم. بین این افراد هم گرایش‌های ناسیونالیستی دیده می‌شود و هم گرایش‌های میهن‌دوستانه؛ و نمی‌توان این گونه ادعا کرد که در جوامع مدرن و دموکرات امروزی، همه افراد میهن دوست هستند و یا اینکه در مقابل در جوامعی که با توجه به معیارهای موجود، غیر دموکراتیک خوانده می‌شود همه افراد گرایش‌های ناسیونالیستی دارند و در بین آنها گرایش‌های میهن‌دوستانه مشاهده نمی‌شود. اما همانگونه که گیرنا ادعا می‌کند این نکته نیز درست است که برداشت جهانی از دنیایی که ما امروزه آن را تجربه می‌کنیم، راهگشای "آرمان‌های انسانی" است و عمیقاً اهداف و محتوای ناسیونالیسم را متحول می‌کند؛ بنابراین می‌توان به این مسئله خوشبین بود که با گسترش فرهنگ نقد و رشد شاخص‌های دموکراتیک در بین جوامع می‌توان به ضعیف شدن گرایش‌های ناسیونالیستی و تربیت شهروندانی میهن دوست امیدوار بود که ضمن ارزیابی واقع بینانه‌ای که از شرایط موجود کشورشان دارند به شناخت نقاط ضعف و نارسایی‌های موجود می‌پردازند و این دلبستگی عاقلانه‌ای که در خود احساس می‌نمایند زمینه ساز همت جمعی آنها در رفع نقایص موجود و پیشبرد کشور به سمت اهداف مورد نظر باشد.

علل مهاجرت ورزشکاران را می‌توان در دودسته کلی عوامل مدیریتی (وضعیت اقتصادی کشور و به تبع آن ورزش، پرداختن افراطی مدیران ورزش به رشته فوتبال و کم‌اعتنایی به سایر رشته‌های ورزشی مدال‌آور، بی‌توجهی مسئولان به مسائل معیشتی ورزشکاران، فقدان نظام جامع بیمه‌ای و رفاه اجتماعی ورزشکاران ناشی از نبود نظام باشگاه‌داری، نبود لیگ‌های حرفه‌ای و منسجم و کارآمد در رشته‌های ورزشی المپیکی، کیفیت و کمیت حداقلی امکانات، زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی در برخی رشته‌های ورزشی، پشت خط ماندن ورزشکاران و اختلاف نظر با مسئولان فدراسیون یا کادر فنی) و عوامل سیاسی (تلاش منافقین و معاندین جمهوری اسلامی ایران برای مهاجرت ورزشکاران ایران) دسته‌بندی کرد.

منابع

۱. اوزکریمی، اوموت (۱۳۸۳)، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمد علی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.
۲. حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۴)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، کتاب درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی نوشته مریم صنیع اجلال، تهران: نشر تمدن ایرانی.
۳. ریتزر، جرج (۱۳۸۵)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
۴. سازمند، بهاره (۱۳۸۵)، «معرفی و نقد کتاب ناسیونالیسم معاصر نوشته‌ی دیوید براون»، فصلنامه - مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۲۶: ۱۵۹-۱۶۵.
۵. سریع القلم، محمود (۱۳۸۱)، عقلانیت و آینده‌ی توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۶. عظیمی، علی. شیرازی، علی. کاظمی، مصطفی. پویا، علیرضا. (۱۳۹۸). کشف و تبیین خوشه‌های اعضای هیئت‌علمی مهاجرت کرده بر اساس تحلیل عاملی دیدگاه درباره موانع نگهداشت سرمایه انسانی دانشگاه‌های برتر ایران. پژوهش‌های مدیریت عمومی؛ دوره دوازدهم؛ شماره ۴۳؛ ص ۱۸۳-۱۵۷.
۷. فروتن، یعقوب. شیخ، مرتضی. (۱۳۹۶). بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین‌المللی. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی؛ دوره چهارم؛ شماره ۱۰؛ ص ۶۱-۷۹.
۸. کیانی، کورش. شهریار پور، رضا. مرادی، فرشاد. صدر، حسین. (۱۳۹۷). مدلسازی ساختاری عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور (مطالعه موردی: دانشگاه سمنان). نامه آموزش عالی، دوره جدید؛ دوره یازدهم؛ شماره ۴۴ ص ۱۵۱-۱۲۱.

۹. گروسی، س؛ میرزایی، ج. و شاهرخی، ا. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت»، نشریه دانش انتظامی، د ۹، ش ۲، ص ۳۹-۲۶.
۱۰. گیرنا، مونتسرات (۱۳۷۸)، مکاتب ناسیونالیسم: ناسیونالیسم و دولت-ملت در قرن بیستم، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۱۱. لطفی، ص؛ بردی‌انامرادنژاد، ر. و ساسانی‌پور، م. (۱۳۹۳). «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز)»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، د ۵، ش ۱۹، ص ۵۶-۳۹.
۱۲. مجلس شورای اسلامی؛ معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی؛ دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)؛ کد موضوعی: ۲۷۰؛ شماره مسلسل: ۱۷۰۵۷؛ اردیبهشتماه.
۱۳. مرادی، مهدی. ستاری فرد، صادق. (۱۳۹۹). واکاوی مسئله مهاجرت ورزشکاران و ارائه راهکارهای اثربخش. مرکز پژوهش‌های
۱۴. مظاهری، محمد علی و دیگران (۱۳۸۷)، «مقایسه دلبستگی ملی در ایرانیان مقیم کانادا، متقاضی مهاجرت به کانادا و ساکن تهران»، مجله روانشناسی، سال دوازدهم، شماره ۲: ۱۶۹-۱۵۴.
۱۵. مظلوم‌خراسانی، م؛ نوغانی، م. و خلیفه، م. ر. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، د ۲۳، ش ۴۵، ص ۸۰-۵۱.
۱۶. منوچهری، عباس و نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۵)، «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت و گویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸: ۲۹-۱.
۱۷. موسوی، ط. (۱۳۸۶). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، د ۶، ش ۲۳، ص ۶۷-۹۲.
18. Abdi, A., & Goodarzi, M. (۲۰۱۴). Cultural developments in Iran. Tehran: Publication Revash.
19. Ahmadzadeh, A., Mosavi, S. J., & Dosti, M. (۲۰۱۴). Identifying of cultural challenges and opportunities of sport in Mazandaran province. Contemporary Studies on Sport Management, ۴(۷), ۲۹-۱۵.
20. Akbari, H., & Ayouzi, M. R. (۲۰۱۳). Reviewing the status and dimensions of the national, social sciences, ۱, ۵۹-۳۳.
21. Andam, R., Aghaee, A. A., Anbarian, M., & Parsajoo, A. (۲۰۱۶). Strategic analysis of women's championship sports of Hamedan province with SWOT Technique. Contemporary Studies on Sport Management, ۶(۱۲), ۱۶-۱.
22. Brubaker, Rogers (2004), In the name of nation : Reflections on nationalism and patriotism, Citizenship studies , Vol 8 , No 2, pp:115-127
23. Camacho, M. (۲۰۱۲). Self and identity: Raising undergraduate students awareness on their. Social and Behavioral Sciences, ۱, ۸۱-۱۷۸.
24. Dehshiri, M R. (۲۰۱۴). The place of cultural synergy in social development of the country. Iranian Social Development Studies, ۶(۲), ۴۴-۲۵.
25. Foo, C. (2015). Exploring sport migration through international student athlete recruitment: The sojourn of male soccer players from Trinidad and Tobago. Journal of Physical Education and Sport Management, 2(2), 149-164.
26. Ghasemi, H., & Kashkar, S. (۲۰۱۵). Social and cultural basis of sport (۳rd ed.). Tehran: Bamdadketab.
27. Jansen, J., & Engbersen, G. (2017). Have the Olympic Games become more migratory? A comparative historical perspective. Comparative migration studies, 5(1), 11.
28. Kasiralvalad, Ehsan; Bastan, Mahdi; Ahmadvand, Ali Mohammad & Abniki, Hadi (2016). Simulation Analysis of Brain Drain in Iran using System Dynamics Approach, the 34th International Conference of the System Dynamics Society. Delft, Netherlands.
29. Rabani, A., & Rastegar, Y. (2013). An analysis of national identity and its sextet dimensions in Isfahan city. Applied Sociology, 24(2), 1-20.
30. Ramezanejad, R., Rahmani Nia, F., & Boroumand Dulak, M. R. (2010). Investigating the incidence of aggressive behaviors of Pegah soccer players in the professional soccer league of Iran. Sport Management, 1(1), 101-17.
31. Reiche, D., & Tinaz, C. (2019). Policies for naturalisation of foreign-born athletes: Qatar and Turkey in comparison. International Journal of Sport Policy and Politics, 11(1), 153-171.

32. Salami, M. (2017). Providing professional ethics development model for sport organizations. *Ethics in Science and Technology*, 12(1), 2-13.
33. Salimi, M., Soltan.Hosseini M., & Mosavi, Z. (2013). The identification and priority processing of the effective criteria and sub criteria on professional ethics development in sport. *Cultural Studies in Sport*, 1, 1-22.
34. Taj Bakhsh, A. (2014). The model for improving the level of fitness ethics in the Islamic Revolution. *Research Quarterly in Islamic Ethics*, 7(25), 45-68.
35. Tamannaifar M. R., & Gandomi Z. (2011). Correlation between achievement motivation and academic achievement in university students. *Educational Strategies in Medical Sciences*, 4(1), 15-9. (Persian).
36. Tarasanski, A. (2016). Migration in globalized sport: Finnish ice hockey players in Russia. Master's Thesis. Department of Sport Sciences. Social Sciences of Sport. University of Jyväskylä
37. Wollmann, A. S. (2018). Recent trends in nationality requirements in Olympic sports. *Netherlands International Law Review*, 65(3), 359-390.